

فراتر از خبر

از عمليات مخفی تا جنگ روانی موساد؛ کارنامه داوید بارنتا در قبال ایران

فرونش رام - اسرائیل

۵۴ دقیقه پیش



Amir Cohen (Reuters)

داوید بارنتا «ابتکار عمل تهاجمی» را بر «رویکرد مهار» که تا پیش از حمله گروه افراطی حماس، ارتش اسرائیل بر اساس آن عمل می‌کرد، ترجیح داده بود

دوران پنج ساله ریاست داوید برنتا بر «موساد» این روزها به پایان رسید و در حالی که اسرائیل پس از جنگ مشترک با آمریکا علیه ایران در آتش‌بس شکننده قرار دارد، او این مقام را به جانشین خود سپرد.

عنوان رسمی موساد، «سازمان اطلاعات و مأموریت‌های ویژه» است. نتایج عملیات این تشکیلات در ارتباط با ایران، در دو جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه یک سال گذشته نمود ملموس‌تری یافت.

به مناسبت پایان کار بارنتا، رسانه‌های اصلی اسرائیل، مانند یدیعوت آحرونوت و اسرائیل‌هیوم، در گزارش‌های مشروحی به بررسی کارنامه او پرداخته‌اند.

رون بن‌بیشای، مفسر نظامی یدیعوت آحرونوت و ایتای ایلنایی در اسرائیل‌هیوم نوشته‌اند که گزارش‌های خود را بر اساس گفت‌وگو با «مقامات ارشد موساد و ارتش» تهیه کرده‌اند.

آن دو تأکید کرده‌اند که مفاد گزارش‌ها را با «مجوز اداره سانسور نظامی»، وابسته به ارتش اسرائیل، منتشر کرده‌اند. با این حال، نظر به مقررات سانسور نظامی که خبرنگاران در اسرائیل را ملزم می‌کند هنگام اشاره به برخی موضوع‌های حساس، به منابع رسانه‌ای بین‌المللی و به‌ویژه غربی استناد کنند، باز هم هر دو نویسنده برخی از مطالب گزارش‌هایشان را به رسانه‌های غربی نسبت داده‌اند.

در ذیل، نکاتی از این گزارش‌ها را در ارتباط با ایران می‌خوانید.

استفاده از بیگانگان در عملیات حساس

به نوشته بن‌ییشای و ایلنایی، بارنئا مبتکر طرح آموزش دادن به گروه‌هایی از ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی بود تا برای فرصتی که از آن‌ها خواسته شود، آماده باشند که به پیشبرد اهداف راهبردی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی کمک کنند.

اواخر بهار ۱۴۰۴، گروه برنامه‌ریزی مشترک موساد و نیروی هوایی اسرائیل تصمیم گرفت که آن تعلیم‌دیدگان در هموار کردن مسیر برای عملیات هوایی اسرائیل در آسمان تهران، در «خنثی کردن» یک تأسیسات پدافند هوایی ایران ایفای نقش کنند؛ زیرا اسرائیل سرانجام تصمیم گرفته بود جنگی را با غافلگیری بسیار برای کشور هدف آغاز کند. هم‌زمان در تهران و نقاط غربی ایران، گروه‌های دیگری از افراد آموزش‌دیده راهی شدند تا سامانه‌های موشک‌های سپاه پاسداران را «فلج کنند».

مأموران دیگری از آن‌ها هم به نیروی هوایی اسرائیل کمک کردند تا فرماندهی ارشد نیروی هوافضا و سایر افسران بلندپایه سپاه پاسداران را هدف قرار دهند.

فرمانده تیم در ایران پیام محرمانه گرفته بود که او و افرادی به‌زودی وارد کارزار خواهند شد؛ به دلیل نگرانی از نشت اطلاعات و دلایل فنی، مختصات اهداف، مکان و زمان، نزدیک به تاریخ عملیات ارسال شد.

تجهیزات لازم و برخی سلاح‌هایی که «منحصر به فرد» توصیف شده‌اند، از مسیرهای مخفی به دستشان رسیده بود؛ از جمله موشک‌ها، پهپادها و تجهیزات دیگری که همگی در قطعات کوچک ارسال شده بود. اعضای تیم در آموزش‌های خود نحوه مونتاز را آموخته بودند.

یک مقام ارشد پیشین موساد که با عملیات شب اول جنگ ۱۲ روزه آشنایی دارد، در این زمینه به یدیعت آحرونوت گفت تعیین زمان شلیک توسط تیم‌ها در ایران برای پرواز هواپیماهای جنگی اسرائیل و حملاتی که انجام دادند، «حیاتی» بود و با وجود چند مشکل، عملیات در مجموع «مانند ساعت کار کرد»؛ آن شب بارنئا در کنار بنیامین نتانیاهو و ایال زمیر، فرمانده ارتش، از پناهگاه ستاد ارتش، عملیات در ایران را بر روی نمایشگرها نگاه می‌کردند.

وقتی مشخص شد که «ضربه غافلگیرانه آغازین» به «اهداف بلندپروازانه خود دست یافته»، لبخند از صورت داوید برنئا از این‌که مأموران آموزش‌دیده «به درستی عمل می‌کنند»، محو نشد.

خشنودی‌اش از این بابت بود که پافشاری‌اش در تشکیل یک بازوی مخفی و رزمی از مأمورانی که غیر اسرائیلی باشند، اما در طول عملیات در کنار ارتش اسرائیل فعالیت کنند، درست از کار در آمده بود. آن‌ها مأمورانی بودند که عملیات را با کیفیت و در وسعتی انجام دادند که برای اسرائیل اثرات راهبردی داشت.

بارنئا ثابت کرده بود «می‌توان به مأموران بیگانه» اعتماد کرد. تا پیش از این، موساد هرگز در عملیاتی به این درجه از حساسیت از بیگانگان استفاده نکرده بود و محرمانه‌ترین تسلیحات خود را در اختیار کسی غیر از مأموران ویژه اسرائیلی قرار نداده بود.

گزارش‌ها تأکید کرده‌اند که هیچ‌یک از این نیروها تا پیش از عملیات و پس از آن در ایران شناسایی نشدند. «حتی یک نیروی موساد در خاک ایران به خطر نیفتاد».

موساد گفته است: هیچ‌یک از صدها ایرانی که جمهوری اسلامی در یک سال اخیر به عنوان مأمور این سازمان بازداشت کرده، ارتباطی با این تشکیلات ندارند.

تغییراتی که بارنئا در ساختار تشکیلات داد

تا پیش از ریاست بارنئا، موساد عملیاتی را در چارچوب جنگ‌های در سایه در قبال ایران انجام می‌داد که هدف عمده‌اش مختل کردن برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران بود؛ دستبرد به آرشیو برنامه هسته‌ای ایران و انتقال آن به اسرائیل، ترور محسن فخری‌زاده به عنوان «پدر بمب هسته‌ای ایران» و ده‌ها مورد عملیات دیگر که از زمان ریاست مئیر داگان بر موساد آغاز شده بود، «دستاوردهای قابل توجهی» برای اسرائیل داشت و برنامه اتمی ایران را به تأخیر انداخت، اما «تهدید وجودی ایران برای اسرائیل» افزایش یافته بود، به‌ویژه که برنامه موشک‌های بالستیک ایران شتاب گرفته بود.

بارنئا با رسیدن به ریاست این تشکیلات گفته بود که «می‌توان و باید کارهای بسیار بیشتری در مورد ایران و حزب‌الله لبنان انجام داد».

او برای این هدف، به‌ویژه بر سه محور اصرار داشت: یک، «استفاده حداکثری از قابلیت‌های سایبری، محاسبات وضعیت و فناوری‌های پیشرفته»؛ دو، «ایجاد قابلیت‌های تکنولوژیک و انسانی که امکان انجام عملیات متعدد هم‌زمان در عرصه‌ها و علیه اهداف مختلف را فراهم کند، چه با همکاری ارتش، چه بدون آن»؛ سه، «اصلاح روش‌های عملیاتی پرسنل و نیروهای موساد، به‌ویژه مأموران میدانی در کشورهای هدف تا فناوری‌های بیومتریک مانند تشخیص چهره که از سوی همه کشورها به کار می‌رود، آن‌ها را به خطر نیندازد».

این بند آخر ناشی از درس عبرتی بود که موساد از کشتن عبدالرئوف مبجوح، عامل خریدهای تسلیحاتی حماس در هتلی در امارات، گرفته بود؛ ماجرای که پیگیری‌های ضاحی خلفان، فرمانده وقت پلیس دومی، باعث شد عکس ۲۰ نیروی موساد که برای این ترور به امارات اعزام شده و از گذرنامه‌های کشورهای غربی متعدد استفاده کرده بودند، منتشر شود. هیچ‌یک از آن مأموران به دام نیفتادند، اما موساد فهمید دورانی که نیروهایش مانند آفتاب‌پرست تغییر شکل می‌دهند و گرداگرد جهان در حرکت هستند، به سر آمده است.

در سرقت اسناد هسته‌ای ایران (در دوران یوسی کوهن) در زمستان ۱۳۹۶، نیروهای موساد که اسرائیلی بودند، سهم بزرگ‌تری در قیاس با مأموران محلی داشتند، اما هفت سال بعد در نتیجه «انقلاب بیومتریک» بارنئا، جنگ ۱۲ روزه بر استفاده از مأموران بومی متمرکز بود.

بارنئا از زمان معاونت موساد حامی عملیات تبدیل پیجرها و بی‌سیم‌های حزب‌الله به بمب بود؛ عملیاتی که در روزهای ۲۷ و ۲۸ شهریور سال ۱۴۰۳، در اوج جنگ اسرائیل و حزب‌الله، به مرگ ده‌ها تن و معلول و نابینا شدن هزاران تن از نیروهای این سازمان نیابتی ایران منجر شد.

او بخش «تسومت» در موساد را که خود سال‌ها رئیسش بود، به سه بخش تقسیم کرد: «تسومت جدید» برای استخدام مأموران در مقیاس بزرگ و گردآوری اطلاعات انسانی برای عملیات، ضمن ابقای بخش قدیمی که مسئولانش مأموران استخدام‌شده در کشورهای خارجی را اداره می‌کنند؛ شاخه دوم: ای‌ام‌جی، برای عملیات جاسوسی که «با انفجار چیزی به پایان می‌رسد» (مانند ترور اسماعیل هنیه، رئیس وقت دفتر سیاسی گروه افراطی حماس در تهران که برای شرکت در آیین سوگند آغاز ریاست جمهوری مسعود پزشکیان به ایران سفر کرده و مهمان ویژه در اقامتگاه محافظت‌شده نیروی قدس سپاه پاسداران بود)؛ و بخش سوم: انجام عملیات بسیار پیچیده با اهمیت راهبردی، مانند اجرای پیجرهای حزب‌الله.

بخش فناوری موساد در دوران او سه اداره را دربرگرفت: سایبری، دیجیتال و توسعه و تولید ابزارهای فناوری ویژه برای مأموران موساد. ادعا کرده‌اند حاصل این اقدامات دستیابی به ابزاری است که «حتی برتر

از سی‌آی‌ای» است و توان سایبری آن هم در قیاس با «یگان ۸۲۰۰ ارتش» «بالتر» ارزیابی شده است؛ هر سه اداره در خدمت دواير اطلاعات و ضداطلاعات موساد هستند.

«بخش نفوذ»

بارنئا «ابتکار عمل تهاجمی» را بر «رویگرد مهار» که تا پیش از حمله گروه افراطی حماس، ارتش اسرائیل بر اساس آن عمل می‌کرد، ترجیح داده بود.

او در آغاز کارش «بخش نفوذ» را در موساد برپا کرد. توانست نتانیاهو را متقاعد کند از تشکیل این دپارتمان و تجهیز آن برای دستیابی به «قابلیت‌های راهبردی غیرمتعارف» حمایت کند.

جنگ روانی در میان کارهای این بخش بود. نمودی از اقدامات اولیه در این راستا، انتشار عکس رستم قاسمی، فرمانده ارشد پیشین سپاه و وزیر اسبق، در آغوش یک زن غیرمحبوبه در مالزی بود.

قاسمی، وزیر دولت ابراهیم رئیسی، یک روز پاییزی سال ۱۴۰۱ عکس خود را در حالی که زن جوان غیرمحبوبه‌ای را در سفر مالزی در آغوش گرفته بود، در وبسایت ایران‌اینترنشنال دید؛ «تنها چند هفته پس از کشته شدن مهسا امینی» که در بازداشت گشت ارشاد جان باخته بود.

کسی که عکس رستمی را در توئیتر منتشر کرده بود، نوشته بود: «یک مشت ریاکار کثیف». عکس بلافاصله توسط هزاران کاربر بازنشر شد.

رستم قاسمی زمان کوتاهی پس از انتشار آن عکس کناره‌گیری کرد و بعد از مدتی هم درگذشت. روزنامه اسرائیل هیوم نوشته است: «الان می‌شود با اطمینان گفت که فاش‌کننده عکس، موساد بود که آن عکس را ده سال در اختیار داشت».

چرا فیلم عملیات موساد در ایران پخش شد؟

«بخش نفوذ» همچنین فیلم عملیات مأموران ایرانی موساد در شب آغاز جنگ ۱۲ روزه در خاک ایران را رسانه‌ای کرد تا به گفته رئیس پیشین آن، هیبت رژیم جمهوری اسلامی در نگاه مردم ایران فرو بپاشد.

موساد به ریاست بارنئا اصرار داشت نشان دهد که جمهوری اسلامی ایران نفوذناپذیر نیست، برخلاف اظهارات مقامات ارشد ایران که ده‌ها سال از «اقتدار» و «صلابت» و «اشراف اطلاعاتی» خود سخن رانده بودند، و برای این‌که «دیوار ترس» در داخل ایران نسبت به حکومت شکسته شود.

فیلم با دوربین‌های حرارتی که بر روی لباس مأموران قرار داشت، مستقیم در اتاق عملیات اسرائیلی پخش می‌شد. مجریان گفتند این عملیات «همین چند ساعت پیش در خاک ایران به عنوان بخشی از ضربه غافلگیرکننده آغازین در عملیات جنگی» صورت گرفته است.

هرتسی هالوی، که در زمان جنگ ۱۲ روزه تازه دوران ریاست ستاد ارتش اسرائیل را به پایان برده بود، و برخی دیگر از نیروهای امنیتی پیشین و حال اسرائیل به رئیس موساد تاختند که با پخش این فیلم اسرائیل را به خطر انداخته یا درصد کم‌رنگ کردن نقش سازمان اطلاعات ارتش بوده است.

اما «الف» می‌گوید نیروهای بخش او عامدانه فیلم را رسانه‌ای کردند تا تصویر حکومت را که از خود قدرت مطلق در ذهن ایرانیان حک کرده بود، بشکنند و مردم بفهمند که رژیم نیز خود همه چیز در کشورش را نمی‌داند و مصون از نفوذ نیست.

«الف» ۵۱ ساله، که تا سه ماه پیش رئیس «بخش نفوذ» بود، با سابقه کار در «یگان ۸۲۰۰ ارتش» و ۲۳ سال فعالیت در موساد، گفته که این واحد تنها در ارتباط با ایران و لبنان فعالیت می‌کند و قابلیت‌های آن منحصرأ در انطباق با وضعیت این دو کشور است.

او افزوده که افشای برخی از مطالب در فضای مجازی و کانال‌ها درباره وضعیت اقتصادی، فساد مقامات و نهادهای حکومتی در ایران از اقدامات بخش او بوده است. اما قاطعانه رد کرده که این بخش در اعتراضات بازار ایران در اواخر آذر پارسال نقش داشته؛ اعتراضاتی که با کشتارهای ۱۸ و ۱۹ دی سرکوب شد.

«الف» گفته است: «ما سوار موج وضعیت ایران شدیم، به ما فرصتی داده شد که کارمان با یک حرکت جنبشی فوق‌العاده در ایران که در حال شکل‌گیری بود، پیوند بخورد».

او افزوده که سخن گفتن از «تغییر رژیم» در ایران هرگز تا پیش از این در موساد مطرح نشده بود. به گفته او، این فکر در ماه‌های بعد از جنگ ۱۲ روزه به تدریج شکل گرفت. «مأموریت بخش نفوذ نزدیک کردن سقوط رژیم بود، ساعت شنی پایان عمر آن را سریع‌تر به حرکت درآورد».

«صبورند و هنوز دلبسته تغییر رژیم»

به نوشته اسرئیل‌هیوم، بارنئا به طرح خود برای ایجاد تغییر در ایران و ساقط شدن حکومت کنونی باور داشت. این روزنامه ادعا کرده که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا با آگاهی از طرح موساد از آن حمایت کرد. این گزارش مدعی است که سی‌آی‌ای به بارنئا کمک کرد تا ترامپ را نیز قانع کند. معلوم نیست سی‌آی‌ای چه نظری درباره این ادعا دارد.

هر دو گزارش اسرئیل‌هیوم و یدیعوت آحرونوت درستی مطالب منتشرشده در رسانه‌های آمریکایی درباره حضور بارنئا در نشست مجازی با آقای ترامپ در خصوص احتمال ساقط شدن حکومت جمهوری اسلامی تحت شرایط مورد نظر او را تأیید می‌کنند.

بارنئا وضعیتی را برای دونالد ترامپ و تیم او توصیف کرد که به ادعای او، چنین کارزار نظامی مشترکی می‌تواند به سرنگونی حکومت ایران بینجامد؛ طرحی که هزاران کرد مسلح را به کار گیرد و موجب ریزش در نیروهای سپاهی و بسیجی شود. او همچنین نام برخی از افراد در ایران را که ممکن بود در یک حکومت تغییرماهیت داده قدرت را به دست بگیرند، بر زبان آورده بود.

اما رئیس پیشین «بخش نفوذ» گفته بعید است بارنئا به ترامپ وعده داده باشد که حکومت ایران در جریان جنگ سقوط خواهد کرد. «کدام انسان عاقلی چنین حرفی می‌زند؟»

«الف» هنوز مدعی است اگر روزی حکومت ایران فروپاشد، عملیات جنگ ۱۲ روزه «نقطه عطف مهم» در مسیر سقوط بوده است.

فعلاً در اسرئیل، آمریکا و غرب انتقادهای تند از موساد به خاطر عدم تحقق ارزیابی‌اش ادامه دارد. اما مسئولان این تشکیلات گفته‌اند صبورند و تأکید دارند که «بخش نفوذ» هم ظاهراً قرار است کارش را با «شدت بیشتر» ادامه دهد.

منابع نزدیک به بارنئا از او نقل کرده‌اند که اگر آقای ترامپ از امضای توافقی با ایران که امکان احیای اقتصاد ایران را بدهد خودداری کند و محاصره ایران را ادامه دهد، فروپاشی حکومت تهران تا پایان سال جاری میلادی هنوز متصور است. مهره‌های دیگر نزدیک به بارنئا هم یک تا سه سال را برای تحقق این وعده ذکر کرده‌اند.

آن‌ها گفته‌اند وضعیت جاری هنوز «پایان داستان نیست».

می‌خواهد سیاستمدار شود؟

بارنئا، کماندوی پیشین ارتش که از ۳۰ سالگی در موساد بوده، حال در ۶۱ سالگی احتمال ورود به سیاست را رد نمی‌کند. مفسر نظامی یدیعوت آحرونوت از این آمادگی بارنئا ابرو بالا انداخته است. در هر حال، او سه سال فرصت دارد تا تصمیم بگیرد (قانون این فاصله را الزامی کرده است).

پیش از او یوسی کوهن علاقه زیادی به ورود به سیاست نشان داد و حتی مدعی شد بعد از نتانیاهو تنها او لایق نخست‌وزیری است، اما با اقبالی از سوی مردم یا احزاب سیاسی که او را زیادی متکبر می‌دانند، روبه‌رو نشد.

داوید بارنئا هر تصمیمی بگیرد، مشهود است که او و یوسی کوهن با رؤسای دهه‌های گذشته موساد از زمین تا آسمان تفاوت دارند.

پیشینیان آن‌ها کسانی بودند که حتی بردن نام‌شان در رسانه‌ها تا سال‌ها پس از پایان کارشان یک تابو بود، چه برسد به آن‌که شرح عملیات محرمانه تشکیلات‌شان، فخرفروشان و پیاپی به خورد رسانه‌های محلی و جهانی داده شود.

ظاهراً تلاطم‌های دنیای نوین ارتباطات این تشکیلات را هم تغییر داده است.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

ایران